

درود بر برگزارکنندگان مراسم  
۸ مارس در سردشت



علی عبدالی

مراسم باشکوه روز ۲۱ اسفند در  
سلن سینمای قلبی سردشت، بمناسبت  
۸ مارس روز جهانی زن، جلوه ای  
از نمایش عزم و اراده متفبعین  
برابری حقوق انسانها و جلبداری از  
حقوق از دست رفته زنان در جامعه  
ای مردسالار و تحت حاکمیت  
قوانین زن ستیز است. این روز اگر  
در نقاط مختلف جهان به شیوه های  
مختلف برگزار میشود، در شرایط  
اختناق حکم در ایران تحت سلطه  
حکومت اسلامی با هر درجه و  
ظرفیتی که برگزار شود تشنه رشد  
آگاهی برابری طلبانه و بیداری  
جامعه معترض به پلیم شدن حقوق  
نیمی از جامعه است.

مراسم ۸ مارس سردشت در حلی  
برگزار میشود که سالانه در  
سردشت و حومه دههاتین از زنان و  
نخترن قربانی قتلهای ناموسی و  
خوسوزی و خوردگی های تحمیلی  
میشوند. بلند کردن پرچم نفاع از  
حقوق زن در چنین شرایطی تجلیل و  
گرامیشت از این قربانیان ستم و

ادامه در صفحه ۵

### سال نو را تبریک میگویم

رحمان حسین زاده



سال جدید را با همان امیدها و امید به آینده  
و زندگی بهتر، امید به رهایی قطعی و  
امید به پایان دادن به هر نوع سیاهی و  
تباهی آغاز میکنیم. امیدوارم نوشادوش  
همدیگر جمهوری اسلامی و ارتجاع و  
حاکمیت سرمایه را به زیر بکشیم. زندگی  
شایسته انسان را بسزیم. رفه و سعادت و  
شادی و خنده را برای همیشه به جمعه  
تقدیم کنیم.

نوروز، جشن شادی، تفریح، خنده و  
محبت است. در اجتماعت بزرگ نوروز  
را جشن بگیریم. شادی و دوستی و محبت  
را با هم تقسیم کنیم.

نوروزتان پیروز

رحمان حسین زاده

بیر کمیته کردستان حزب حکمتیست

نوروز ۱۳۸۶

### در صفحات دیگر

سخنرانی مظفر محمدی در نشست سوم شورای کارهای کمیته کردستان ص ۲

سخنرانی افتخاریه رحمان حسین زاده : ص ۳

گزارشی از اعتراض کارگران در شهر سنندج : ص ۳

کمک های ملی به کمیته کردستان و گارد آزادی : ص ۵

نوخیر از کردستان ص ۶

### فعالین کارگری سقز باز هم محاکمه شدند.



برهان دیوارگر

در جریان برگزاری مراسم روز جهانی  
کارگر سال ۱۳۸۳ در شهر سقز هفت  
نفر از فعالین کارگری بازداشت شدند  
بعد از ۱۱ روز اعتصاب غذا و وبا  
فشار های بین المللی نهاد های حقوق  
انسان و اتحادیه های بین المللی  
کارگری و اعتراضات کارگران در  
ایران رژیم مجبور به آزادی این فعالین  
گردید. در طی یک پروسه طولانی و با  
گذشت بیش از ۱۸ ماه دادگاه حکم به  
چهارده سال زندان و سه سال تبعید برای  
پنج نفر از فعالین کارگری و برانت نو  
نقر صادر نمود. اما در مرحله اعتراض  
حکم دادگاه بدوی رد و ۵ نفر بقیمانده  
نیز تبرئه گردیدند. اما در اقلی دیگر  
باز هم دادگاه با ابلاغ اتهامت جدید و  
برگزاری جلسه دیگری برای محکمه ۵  
نفر از فعالین کارگری سقز محمود  
صالحی به ۴ سال زندان و جلال حسینی  
و من (برهان دیوارگر) و محسن  
حیکمی به دو سال زندان محکوم  
گردیدند و محمد عبدی پور تیره نگرید.

احکام صادره در مرحله دوم باز هم  
مورد اعتراض قرار گرفت و در دادگاه  
تجدید نظر شعبه هفتم در شهروستان سقز  
مورد رسیدگی مجدد قرار گرفت.  
جالبترین مورد در جلسه دادگاه تجدید  
نظر عوض کردن قاضی به بهانه

ادامه در ص ۶

## سخنرانی مظفر محمدی در سومین نشست شورای کلمه‌های تشکیلات کردستان حزب حکمتیت



### اوضاع سیاسی، موقعیت احزاب و جنبشهای اجتماعی و استنتاج عملی

اوضاع سیاسی در کردستان، تابعی از کل اوضاع سیاسی ایران و منطقه است. در رابطه با اوضاع سراسری قطب‌ناکی را می‌گویم که به روشن شدن وضعیت سیاسی کردستان کمک میکند. ما در سطح ایران و منطقه با مسایل و فاکتورهای متعددی روبرویم.

فشارهای بین‌المللی و بخصوص آمریکا بر سر مساله هسته‌ای، تحریم‌ها و گسترش آن است و ماجراجوییهای نظامی آمریکا و احتمال حمله نظامی مطرح است.

ایران و آمریکا در عراق عملاً با هم در حال جنگند. این جنگ میتواند به ایران هم گسترش پیدا کند. ماجرای جنگی مفقوت با عراق. هدف این جنگ سرنوشتی جمهوری اسلامی نیست. میخواهند بزنند و زیربنای اقتصادی مملکت را خراب کنند، مراکز نظامی و حتی علمی و مراکز هسته‌ای را بزنند و بروندی کاریشان. جنگی است که دولت بوش در دو سال پایان عمر خود به آن نیل نکرده. آنها با این کار به هدفشان که کشیدن دندان جمهوری اسلامی است می‌رسند. اما بدبختیهایش را برای ما و مردم جا می‌ذارند.

عواقب این جنگ احتمالی علاوه بر گسترش اختناق و فلاکت تمام عیال، میتواند یک جنگ داخلی را در پی داشته باشد.

میتواند جنگ قومی از طرف ناسیونالیستها و فدرالیستها و دیگر گانگسترهای اسلامی، شیعی و سنی و عشیره‌ای را به دنبال داشته باشد... تا آنجا که به کردستان بر میگردد این مساله محوری مورد توجه ما است که ابعاد تحركات ناسیونالیستی و قومی چگونه خواهد بود و چطور میتوان در مقابلشان ایستاد. به این برمیگردم. فاکتورهای و تحولات دیگری در لذل ایران در جریان است.

ما بارها گفتیم که شکست استراتژی آمریکا در عراق و منطقه به نفع اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی تمام شده است. حتی به نفع تروریسم اسلامی. جمهوری اسلامی قوی تر شده و در معادلات منطقه دست بالا پیدا کرده بطوریکه برای آمریکا قابل حذف نیست. حمایت‌های ضمنی چین و روسیه، ماماشات اتحادیه اروپا و غوه همه این را نشان میدهند که جمهوری اسلامی را به عنوان قدرتی غیر قابل صوفظ و حذف در معادلات منطقه به حساب می‌آورند و بنا بر این مذاکره و دیپلوماسی شرکت دادن ایران در معادلات را مد نظر دارند. این واقعیتی است که نمیشود انکار کرد.

اما کل این اوضاع بخصوص در رابطه با مساله هسته‌ای و فشارهای بین‌المللی، تحریم اقتصادی و تهدیدهای نظامی آمریکا برای دولت احمدی‌نژاد مشکلات جدی هم ایجاد کرده است.

الزاما همه اینها برای جمهوری اسلامی خیر و برکت نیست.

شکافهای درون رژیم بیشتر شده است. جناحهای درون رژیم پاسخ‌و‌لحنی به مسائلی که پیش‌رویشان هست ندارند. گسترش بیکاری و گرانی و فقر و فلاکت از طرفی پشت مردم را خورده

است و از طرفی دیگر رژیم از عوارض و عواقب آن مصون نیست. این وضعیت گسترش نارضایتی‌ها و اعتراضات و حتی احتمالاً عصیان و شورشهای توده‌ای را ممکن است به دنبال خود بیاورد.

مردم جان به لبشان رسیده است. اقتصاد و مساله تامین زندگی مردم الان اولویت مردم است تا از ادیهای سیاسی که در دوره ختمی در اولویت بود. با شکست دوم خرداد و عده‌های عدالت اجتماعی دولت جدید، مساله اقتصاد به راس همه مشکلات سیاسی و اجتماعی آمده است.

چیزی که این وضع را ظاهرارکد نگه داشته دو مساله است:

- یکی انتظار مردم و توه به سونگونی جمهوری اسلامی با دخالت و حمله نظامی آمریکا و تبلیغات اپوزیسیون راست در این زمینه.

- دوم ناتوانی چپ، نقولانی‌مادر پلسخ به این تحولات است. ما نتوانسته‌ایم مردم را علیه وضع موجود متحد و متشکل کنیم.

ما پاسخی برای عراق نداریم. هیچکس ندارد. نه رفتن آمریکا، نه ملنن لوریکا، نه سازمان ملل، نه اتحادیه اروپا هیچکام راه حلی نیستند. چیزی که در نهایت از دل این ماجرا درمیاید تجزیه و تقسیم عراق به مناطق شیعه و سنی و کردها است. اما این پایان ماجرا نیست و آغل

دور دیگر کشمکشهای داخلی و دخالت‌های دولتهای منطقه است. هر بخش، متحدین و حامیان خود را در میان دولتهای منطقه پشت سر خود خواهد داشت و پایشان را به عراق بازتر خواهند کرد...

به همین دلیل است که امریکامیخواهد قبل از عقب نشینی ائتلافی در منطقه شکل بدهد. روی جنگ شیعه و سنی سرمایه‌گذاری میکند. پای عربستان و کمک به سنی‌ها و القاعده مطرح است. سیاستهای دولت فعلی عراق سیاست ایران است.

تنها راه حل این بوده و هست که کمونیستها و مردم آزادیخواه و کنگره آزادی عراق با قدرت وارد شوند...

عقب نشینی امریکا به معنای تبدیل شدن جمهوری اسلامی به قدرت فائقه در عراق است.

در مورد ایران حرف ما روشن است. به مردم می‌گوییم انتظار بیفایده و بس است، متحد و متشکل شوید، مردم قدرتمند بشوند. مجمع عمومی کل‌گزی، گارد آزادی قدرتمند بشود، مردم در جاهایی شروع کنند کنترل‌زنگیشان را به دست بگیرند. کردستان پروژه قدرت است...

هر چه مردم قدرتمندتر شوند و به میان بیایند، دامنه عمل جمهوری اسلامی و دخالت آمریکا در منطقه کم تر و ناسیونالیستها هم دستشان بسته تر میشود....

در مورد کردستان هم ما بالاخص با فاکتورهای معینی روبرویم

مهمترین مساله در رابطه با تحولات منطقه از جنگ خلیج به بعد و تا حالا عروج ناسیونالیسم کرد و حاکمیت بخشی از آن در کردستان عراق است. این تحول تاثیر تعیین‌کننده‌ای بر رشد و گسترش تحركات ناسیونالیستی بخصوص در کردستان ایران داشته است. فعالیتها و نهادها و تبلیغات ناسیونالیستی گسترش یافته است. قوم پرستی پرچم عده‌ای شده است.

فدرالیسم قومی و مدل حکومتی ناسیونالیستهای برادر در کردستان عراق، پرچم و الگوی کل نلسیونالیسم در کردستان ایران است. جریانی صلی این جنبش کماکان حزب دمکرات است. ناسیونالیستهای خودرادی سلق شیعی از این جریان اصلی اند. زحمتکش و پژاک شعبه راست تر و در حاشیه این جریان قرار دارند.

ناسیونالیستها طیر غم هر بحران و اختلافی هوای همدیگر را دارند. همه نهاد‌های ناسیونالیستی و حتی شخصیتها ی هنری و فرهنگی و ادبی و غوه هر کدام به نوعی از حمایت‌مدی و معنوی

ناسیونالیسم حاکم در کردستان عراق برخوردارند...

جلال طالبانی به عنوان پدر خوانده ناسیونالیسم با فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس اسلامی، کردهای مقیم مکر، دانشجویان کرد زبان دانشگاهها، و روشنفکران کرد ایرانی ظاهر میشود. هوایشان را دارد. با آنها جلسه می‌گیرد.

در همه زمینه‌ها همکاریهای وسیعی وجود دارد. این از طرفی و از منظر ناسیونالیسم کرد و تحولات منطقه.

از طرف دیگر و از منظر رابطه دولت با ناسیونالیسم کرد هم میتوان گفت که، برخورد دولت به تجمع و تحركات و نهادها و شخصیت‌های نلسیونالیست کرد از روی ملاطفت و نرمش و انعطاف است.

برای مثال برخورد دولت به فلتو تحکیم وحدت و فعالیتش یا باسنیکای شرکت واحد و یا تجمع زنان در ۲۲ خرداد جو دانشگاه را مقایسه کنید با برخورد همین دولت با فراکسیون کردها در مجلس، کردهای مقیم مرکز، جبهه متحد کرد بها ادب و شرکا، سازمان حقوق بشر کرد، کانون نویسندگان و دیگر نهاد‌های روشنفکری کرد... یکدوره حضور نظامی و سیاسی پژاک با حمایت و همکاری دولت صورت می‌گرفت.

سفر احمدی نژاد و تقدیس فرهنگ کردی و از این قبیل، گوشه دیگر همبستگی بین دولت و نلسیونالیسم کرد است که در دوره خاتمی هم وجود داشت.

همین حالا ناسیونالیستهای کرد دو خردادی سابق با دولت احمدی نژاد لاس میزنند و مشکلی با آن ندارند... جبهه متحد کرد بها ادب خواهان اعتمادسازی بین ناسیونالیسم کرد با دولت احمدی نژاد است.

اما برخورد دولت در کردستان با تحركات کارگری و توده‌ای و چپ به همان شدت و حدت، تعرضی و حتی نظامی است که به کارگران خاتون آید و یا شرکت واحد و تظاهرات زنان در تهران.

این هم یکی دیگر از دلایل زمینه‌های تحرك و فعالیت‌های سیاسی و تبلیغی ناسیونالیسم کرد است. یعنی شرایط مناسبتر و کم‌خطر برای ابراز وجودشان در چارچوب دولت و قتلون اساسی رژیم.

به همین دلیل جنبش روشنفکری در کردستان راست تر است. فضای جمعه کردستان را تبلیغات و جوسازیهای ناسیونالیستی آلوده کرده است.

روشنفکران کرد حتی آنجا که در شهرهای دیگر ایران مانند تهران و

نیروی معادله قدرت تبدیل کنیم. این فرصت را در کردستان عراق و سپس عراق پیدا کردیم و متسلفانه نتوانستیم به قدرت اجتماعی تبدیل شویم. هر چند این فرصت تماما در عراق و کردستان عراق به اتمام نرسیده است و هنوز هم باید تلاش کرد.

من فکر میکنم سیر تحولات جامعه ایران به سمتی میرود که همین فرصت را در مقابل ما قرار میدهد و سوال اینست آیا حکمتیستنها چنان سیاست و پراتیکی را نمایندگی میکنند که به حزب اجتماعی و توده‌ای فرزند تبدیل شوند. آیا میتوانند بایک‌تیر دو نشان را بزنند، به این معنا یک‌بل دیگر اولاً کمونیسیم را اجتماعی‌کنند و دوماً با اتکا به قدرت اجتماعی کمونیسیم هم‌زمان جامعه را نجات دهند؟ به نظرم این ممکن است و اساساً به‌لایه خود ما به مثابه نیروی آگاه و فعاله و تغییر دهنده و دخالت‌گر گره خورده‌است. البته ایدا این کار آسانی نیست و همچنانکه بارها گفته‌ایم کل هرکولی‌ل ما می‌طلبد. فاکتورهای متعددی به نفع ما عمل میکند و فاکتورهای بسیار نامساعدی و از جمله امکانات ملی و نظامی دشمنان و رقیبان ما و تهدید جنگ آمریکا و نقشه‌های شوم‌ن در مقابل ما و مردم قرار دارد.

این اجتماع ما، نشست سوم شورای کادرها بخش مهمی از نیروی تصمیم گیرنده و روشن بین جنبش و حزب ما است. در نتیجه مباحث این دوروزه و تصمیمات و اراده‌ای که این نشست به جامعه اعلام میکند، بسیل تعیین‌کننده و میتواند امید بخش باشد. بل دیگریه این نشست مهم خوش آمدید.



منظور ارائه آلت‌رناتیوی رهلی‌بخش و آزادیخواهانه در جریان است و در صورت پیروزی رفاه و آزادی و سعادت را در آن جامعه پیروز میکند. ما و کمونیسیم ما میتوانیم و باید الهام بخش این تحرک در جامعه باشد.

از این زاویه این نشست و جهت‌گیری و تصمیمات و اراده منتج از آن بسیل تعیین‌کننده است. گفتیم کمونیسیم و چپ در کردستان میتواند تخته پرش قدرت‌گیری آزادیخواهی در کل ایران باشد. به این ترتیب وظایف ویژه و سرنوشت‌سازی در مقابل تشکیلات کردستان قرار گرفته است که در تک تک موضوعات پیشنهادی این نشست در نظر گرفته شده و در این دوروزه نشست باید به نتیجه برساییم. به اعتقاد من ما حکمتیستنها در مقابل این واقعیت قرار گرفته‌ایم که آیا میتوانیم یکبار دیگر کمونیسیم و مشخصاً کمونیسیم منصور حکمت را اجتماعی کنیم و قدرت را بگیریم یا نه؟ زمانی که کمونیسیم کارگری حزب خود را میساخت، میگفتیم باید فرصتی‌را در بعد اجتماعی به دست بیاوریم تا کمونیسیم کارگری را اجتماعی‌کنیم و به

آگاه و فعاله و صاحب نقشه و اراده برای تغییر وضعیت کنونی در ایران به نفع مردم و آزادیخواهی موجود نبودیم، آنوقت این نشست هم وجود نمی‌داشت. با توجه به این مولفه‌ها این نشست، مباحث و تصمیمات و عزم و اراده شرکت‌کنندگان آن برای ایفای رسالت و نقش مهمی که میتوانند در تحولات جامعه کردستان و ایران ایفا کنند، بسیار تعیین‌کننده است. ما همیشه تاکید کردیم که مردم ایران متنفذ از جمهوری اسلامی و این رژیم را نمی‌خواهند و گفتیم در مقابل سیر تحولات ایران اساساً دو مسیر وجود دارد. مسیری که میتواند به قدرت‌گیری جریانات راست و پیاده‌های سیاه آن برای جامعه و مردم ایران منجر شود. و مسیری که میتواند به قدرت‌گیری چپ و مردم و سعادت مردم ایران منجر شود. هر دو روند در جریان است. جریانات راست و پیروژه جریانات سیاه قومی به‌بب و جنگ و دخالت نظامی آمریکا چشم‌دوخته‌اند و عراقیزه کردن ایران و تباهی‌جمعه‌را در مقابل مردم قرار میدهند. قوم پرستان کرد از آن زمره‌اند. در مقابل، تحرک چپ و فعالیت خود ما به

## سخنرانی افتتاحیه در نشست سوم شورای کادرای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست رحمان حسین زاده

نوستان!

به نشست سالانه شورای کادرای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست خوش آمدید. جای خیلی‌ها و مخصوصاً کادرای فعال و جوان حزب در شهرهای کردستان که قاعداً میبایست در این نشست ما حضور میداشتند، خالی است. دیوار استیاد و حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی منع حضور این بخش از رفاکار اجتماع است. امید است با میلزه مشترک منع جمهوری اسلامی را از سر راه خود و مردم و جامعه برداریم و در اجتماع بزرگ آتی در کنار هم باشیم.

صحبتیم را با یک جمله آشنا و "تکراری" شروع میکنم. این جمله که "نشستمان را در شرایط حساس و خطیر و متحول سیاسی در ایران و منطقه" برگزار میکنیم. در نشستهای قبلی و دیگر تجمعات بزرگ دیگر هم این را گفته‌ایم. به نظرم احزاب و جریانات دیگر هم اگر همین روزها جلسه گرفته باشند، همین را گفته‌اند. این جمله آشنا یک واقعیت سه‌وجهی را در خود منعکس میکند. اولاً و به طور اذکتیو اوضاع حساس و پیچیده است. دوماً این وضاع متحول‌کملکن تعیین تکلیف نشده‌است. سوماً مردم و ما خواستار تعیین تکلیف این وضعیت به نفع جامعه و مردم هستیم. یعنی نیروی فعاله تغییر این اوضاع وجود دارد. لگر این نبود و اگر خود ما به عنوان نیروی

کردند. نهایتاً مسئولین صندوق وعده دادند که با دفتر مرکزی صندوق صحبت کنند و قول دادند تا روز پنجشنبه ۲۴ اسفند پیروسه پرداخت و امهارا شروع کنند.

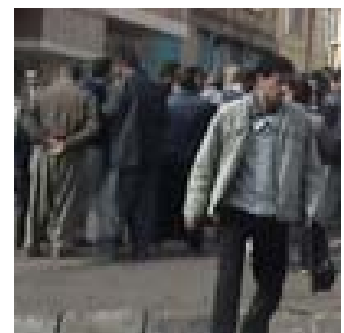
کارگران نساجی اعلام کردند، در صورتی که بیست و چهارم اسفند جواب روشنی نگیرند، به اعتراضاتشان ادامه میدهند. \*\*\*

استانداری اعلام کرد که "مشکلات کارگران باید با اداره کل مطرح شود" کارگران به طرف اداره کار راهپیمایی کردند. پلاکاردها "کار، نان، مسکن" را حمل میکردند. مذاکرات بالاله‌کل هم بی نتیجه ماند. کارگران تصمیم گرفتند روز سه شنبه ۲۲ اسفند در مقابل ساختمان "صندوق مهر رضا" که قول بوده و امهای وعده داده شده به کل‌گران از محل این صندوق پرداخت شود، اجتماع کنند.

روز سه شنبه کارگران و خانواده هایشان در مقابل دفتر "صندوق مهر رضا" دو باره تجمع کردند. نمایندگان کارگران با مسئولین صندوق مذاکره

خواست بازگشت به کار، پرداخت حقوقهای معوقه، و بیمه بیکاری در مقابل اداره کار تجمع کردند. کل‌گران جوابی نگرفتند و باراهپیمایی به طرف استانداری حرکت کردند. ساعت ۱۱ صبح در مقابل استانداری اعتراض خود را بیان کرده که با بی توجهی مسئولین استانداری روبرو شدند. کارگران همانجا قرار گذاشتند که روز دوشنبه ۲۱ اسفند با خانواده هایشان در مقابل استانداری تجمع کنند.

ساعت ۱۰ روز دوشنبه این اجتماع اعتراضی برپا شد. ساعت یازده سه نفر از نمایندگان کارگران با نماینده استانداری به مذاکره نشستند. نماینده



## گزارشی از اعتراض کارگران در شهر سنندج

کارگران نساجی در شهر سنندج روز یکشنبه ۲۰ اسفند ساعت ۸ صبح با

بخصوص دانشگاهها حضور دارند، سخنگو و نماینده ناسیونالیسم و قوم پرستی اند. این در حلی است که جنبش روشنفکری در ایران بخصوص در دانشگاهها بطور چشمگیری به چپ چرخیده است.

مساله دیگر در رابطه بانسولیسم کرد در کردستان ایران، به عنوان نقطه ضعفش در شرایط کنونی بحران سیلی و رهبری آن است.

با شکست استراتژی امریکادر عراق و منطقه و غیر ممکن شدن سرنگونی جمهوری اسلامی با دخالت نظامی امریکا، افق ناسیونالیسم و قوم پرستی کرد هم تاریک و کور شد. این عمل بحران در درون احزاب و جریانات ناسیونالیستی شده است. بحران و انشعاب در حزب دمکرات، بحران در زحمتکشان و غیره را همه شاهدیم. ما افق ناسیونالیستی اتکابه لویکارا در میان ناسیونالیسم کرد شکست ندایم. شکست امریکا این مساله را باعث شده است. این به انتظار مردم زنجت خود به کمک امریکا هم خاتمه داده ایم. ما باید خلا ناشی از این شکست را پر کنیم. زمینه برای این کار بیشتر از همیشه مساعد است.

پاسخ مردم به اعتصاب عمومی سال قبل و جواب ندادن به فراخوان روزه سیلی امسال ناسیونالیستها نشانه این رویگردانی و بی اعتمادی به نلسونالیسم کرد طرفدار امریکا و اعتماد نسبی به چپ است. این موقعیت مساعدی است و فرصتی است که ما باید ان را دریابیم. ناسیونالیسم کرد به نظر من پشت راست میکند. هم اکنون از خلعت نظمی لویکا کاملا مایوس نشده. کمکهای کلان نظامی و پول از امریکامیگردد. نهادها و شخصیتهای ناسیونالیست ز مجلس اسلامی تا جبهه متحد کرد و دیگر نهادهای ناسیونالیست در نهایت ایشان به یک جوی میروند.

همین الان هم ناسیونالیسم، در فضای فکری و سیاسی کردستان در ابعاد اجتماعی و بخصوص در حیطة روشنفکری، در اشکال و جریانات گوناگون چه به شکل قانونی و در اپوزیسیون دست بالا را دارد.

#### چپ در کردستان

هنوز و بدرجات زیادی چپ در کردستان در ابعاد توده ای و اجتماعی، با کومه له تداعی میشود. توده مردم این چپ را با خط و افق سیاسی روشن نمیشناسند. این چپ با

نفوذ اجتماعی تاریخی و سنت پیشمورگیه تی و طرفداری از زحمتکشان معروف است.

کومه له ملقمه ای از ناسیونالیسم و پوپولیسم و چپ سنتی است. این جریان مدرنیسم و توقعات جوان امروز را نمایندگی نمیکند.

سر نوشت کومه له را به لحاظ سیلی، یا چپ کمونیستی و حکمتیست در کردستان، یا ناسیونالیسم کرد تعیین میکند. هر جا ما قوی باشیم ناچار به کزل آمدن با ما است و هر جا حزب دمکرات دست بالا را داشته باشد در حاشیه آن قرار خواهد گرفت.

کومه له چپ را به معنای کمونیستی اش نمایندگی نمیکند. یک جریان بینابینی است. اگر ما نبودیم به عنوان جناح چپ جنبش ناسیونالیسم هر روز در یک جبهه و فردا در قدرت شریک میشد. اما با حضور ما این او است که باید تصمیم بگیرد کجا خواهد ایستاد. تلاش ما باید در جهت کشاندن و متمایل کردنش به چپ تا حد ائتلاف با ما باشد.

#### حزب حکمتیست

ما جریان اصلی چپ در کردستان هستیم. همچنانکه حزب دمکرات جریان اصلی ناسیونالیسم کرد است.

حزب ما و سیاستهای ما مورد توجه و اعتماد چپ جامعه در کردستان است. کومه له ایهای داخل از این سیاستها تغذیه میکنند. تنها میگویند: " خوب کومه له هم همین را میگوید". میپرسید کجا؟ نمیدانند. حرف دلشان را مامیزیم. اینها هنوز وفاداران به سوسیالیسم و کمونیسم و کارگر و زحمتکش اند. دلشان میخواهد ما و کومه له بهم نزدیک شویم. حتی میگویند چرا یکی نمیشوید؟ پله اجتماعی کومه له توجیش به ماست. - نقطه قدرت ما سیاستهای صریح و تیز و افق روشن، گارد آزادی، کمیته های کمونیستی، شخصیتها و نهادهای اجتماعی در میان زنان و کارگران و جوانان است.

صرفنظر از شخصیتهای مهم و با نفوذ اجتماعی در جنبش دانشجویی و روشنفکری جامعه که علنی نیستند، شخصیتهای برجسته ای در میان جنبشهای اجتماعی مانند برهان و ژاد و ... غیره با ما آمده اند. هیچکس در این سطح و کالیبر سیاسی و اجتماعی در میان چپ اتورپنه ندارد. ما لبریم لمن رهبران بزرگ اجتماعی با ما تشنه اتورپنه اجتماعی حکمتیسم در جمعه است. این یک اتفاق مهم تاریخی است.

یک وقتی در میان احزاب چپ و راست جامعه تغییر مکان شخصیتی کفه ترازو و وزنه را به نفع یکی و به ضرر کس دیگر سنگین میکنند. و این برای ما اتفاق افتاده است.

- جنبش کارگری هم در کردستان همیشه شخصیتهای سوسیالیست و رادیکال را در میان خود داشته و پرورنده است. هم اکنون هم طیفی از این کارگران هستند و ابراز وجود میکنند. این جنبش و این شخصیتها و رهبران بخصوص هم به لحاظ موقعیت اجتماعی و هم متریال انسانی پایگاه اجتماعی خوبی برای حکمتیستها و چپ است. وقتی اینها با ما بیایند که به نظر من میایند، جنبش کارگری علاوه بر ستون اصلی قدرت سیاسی ما خواهد بود.

با وجود همه اینها ما جدال و کشمکش سیاسی و احتمالاً نظامی سنگینی (آجا که قوم پرستان دست به اسلحه بزنند) با ناسیونالیسم کرد و فدرالیستها و قوم پرستان در پیش داریم. نلسونالیسم کرد علیرغم بحران سیاسی و رهبریش، هنوز تعین و حضور موثری دارد و بعضاً پر سر و صداترند و در منطقی از کردستان هم دست بالا را دارند.

در حال حاضر بحران رهبری در جنبش ناسیونالیسم کرد برای و پیشروی این جنبش را کند کرده و در مقابل تحركات چپ در جامعه و تعرضت سیاسی ما ضربه پذیر سلخته است. این موقعیتی است که باید بیشترین استفاده را از آن کرد و این فرصتی است که نباید از دست داد.

بحران ناسیونالیسم کرد ازلی و ابدی نیست. مقطعی است. زمانی تمام میشود و در مقطعی سر بر میورد. این آن مقطع است.

چپ در کردستان میتواند بار دیگر عروج کند. مثل دوره کومه له قدیم، یک بار دیگر کمونیسم به نلم حکمتیست در جامعه باید توجه اجتماعی و محبوبیتش تجدید شود. سیاست های رادیکال و جذاب داریم، رهبران و شخصیتهای بزرگ اجتماعی را داریم.

کومه له ایهای با نفوذ اجتماعی و محبوب مانیم بعلوه توریهای حکمت، سیاست و تاکتیکهای جذاب، اشکال و سنت سازمانی حزبی و توده ای جدید، کمیته های کمونیستی و گارد آزادی و نهادهای مدنی و اول مه ها و ۸ مارس ها و فستیوالهای کودک و غیره داریم. اوضاع سیاسی بهر سوی برود یا

کشانده شود ما یک پای اصلی قدرت در کردستان هستیم. کردستان تنها با حضور ما دروازه قدرت چپ و کمونیسم در ایران خواهد شد. بدون ما نملی خواهد بود بر بدن جامعه ایران. نمل توفقه قومی، و باروت جنگ قومی و بلخی... ما ملزومات اساسی این قدرت گیری را داریم.

اگر تژ منصور حکمت را در مورد قدرت گیری اقلیت مصمم لمانه را قبول داشته باشیم. این برای کردستان به درجه ای حاصل است. ما این اقلیت مصمم. بخشی از آن در همین سالن نشسته اند. تعداد بیشتری در اینجا حضور نیافته اند. این نیرو به همراه کمیته های کمونیستی و گارد آزادی و شخصیتهای کلرگری و اجتماعی، ضرب در هزار میشود.

شخصیتهای این جنبش، تعدادمان، کیفیتمان، تجاربمان، نفوذ اجتماعی تک تک مان، ابهت سیاسیمان... این را وقتی به میان جامعه ببریم، شهر سندانج و میروان و کامیاران و سقر و... ضربدر هزار و دهها هزار میشود.

ما نباید این قدرت را که هم شایسته اش هستیم و هم جامعه از ما انتظار لردو هم سعادت بشر و برابری زن و مرد و رهایی کارگر از ما میخواهد به کس دیگری واگذار کنیم. با حضور ما خیلی سخت و بعید است کسی قدرت را بگیرد و حرف آخر را بزند.

تصورش را بکنید. با حضور عبدالله دارابی، صالح سرداری، مجید حسینی، محمد راستی، اسد و نسان نودینین، عبدالله کهنه پوشی، محمد جعفری (میانها)، جمال پیرخضران و ... آیا ممکن است کسی در شهر میروان بتواند ابراز وجود موثر و قدرتمند بکند؟ من فکر نمیکنم. به اینها کمیته های کمونیستی و واحدهای گارد آزادی را که محلات میروان را روی سرشان میگذارند اضافه کنید. به اینها خیل دستان قدیم و جدیدی که به این رهبران مردم توکل میکنند را اضافه کنید.

اما این قدرت را کسی به ما تقسیم نمیکند. باید برویم بگیریم. فرش قرمز برای ما پهن نشده. برای کسب این قدرت در کردستان بخصوص در جنوب کردستان که به آن نزدیکترین، جلد صلی نیست. کسی که میخواهد و مدعی این قدرت گیری است و میخواهد تاریخ این دوره کردستان را به نام کمونیسم رقم بزند و کردستان را دروازه قدرت طبقه کارگر و زن برابری طلب و جوان مدرن و خواهان آزادی و رفاه و کولک مرفه و



با زندگی امن و انسانی بکند، باید در جدالهای سیاسی و نظمی و اجتماعی در محل، آنجا که جمهوری اسلامی هست، قوم پرستی هست، رو در رو حضور داشته باشد.

کسی که میخواهد قدرت بگیرد باید از همین حالا و شاید حالا هم درست از گذشته خودش را برای این کار آماده کرده باشد؛ تدارکش را دیده باشد. کل و زندگی را بر اساس آن سازمان داده باشد. این کار اولویت ترین اولیتهایش باشد. بهنگام تدارک برای کسب قدرت تاخیر برای یک روز خیلی دیر است. روز و ساعات هستند که تکلیف را تعیین میکنند.

تحولات غیر مترقبه و احتمال حمله نظامی امریکا مساله ای است که این تدارک و آمادگی را عجل و چند فوریتی میکند،

میگویم تدارک و آمادگی را چند فوریتی میکند و الا ما منتظر حمله امریکا نیستیم و یا اگر حمله نکرد نمیرویم سواغ کل روئین مان. کار روئین در این دوره خیلی وقتها است بی معنی و بی خاصیت شده است. این دوره دوره تصمیمات بزرگ و انقلابی و کلزهای هرکولی است. همه این کار را میکنند. - بوش مشغول کار هرکولی است. با همه در افتاده حتی در صفوف خودش، - ناسیونالیستها مشغول کل هرکولی اند. همه بار و بندیلیهاشان را بوده اند کل مرز و منتظر حمله احتمالی و دستور امریکا نشسته اند.

- اسلامیهها مشغول کار هرکولی اند. از افغانستان تا سومالی و ایوان و عراق و لبنان و فلسطین را زیر پا میگذرانند و دارند با عظیم ترین زراد خانه های نظامی دنیا مانند اسرائیل و پنتاگون و سازمانهای جاسوسی شان، به شیوه خود میجنگند.

- جمهوری اسلامی و دولت احمدی نژاد هم مشغول کار هرکولی است. با امریکا و جهان در افتاده و دارد بمب اتمش را میسازد و مدعی شرکت در قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی منطقه و جهان است.

- همه مدعیان قدرت و کسانی که سر نوشت مردم را رقم میزنند مشغول کار در شرایط غیر متعارف و هرکولی اند

ما نه میتوانیم و نه حق داریم دل به کل روئین خوش کنیم یا به آن مشغول شویم. میگویم صرف نظر از اینکه جنگ بشود یا نه تدارک و آمادگی همین امروز ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی و به استقبال اوضاع رفتن و گرفتن قدرت، لازم و فوری و عاجل شده است.

چه در اوضاع بحرانی کنونی و چه در شرایط غیر از آن، مساله ما با ناسیونالیسم و ناسیونالیستها مساله ای علی العموم و با روشنگری و نگاهگری تا بعد مردم خودشان تصمیم بگیرند نیست. ما با چلنجی رو بروئیم که بحث بر سر قدرت است. آنها چشم به قدرت دوخته اند و اگر بتوانند تره ای کوتاه نمایند و آزادی انتخاب مردم را برسمیت نمی شناسند. طرحشان فرایس و تفرقه قومی است. کردستان عراق الگو و مدل حکومتی شان است.

بحث امروز ما این است که ما کجا قدرت را میگیریم و آنها کجا و کجا قدرت تقسیم میشود. کجا ما نیروی اول هستیم و کجا آنها. بحث ما با ناسیونالیسم کرد بحثی بر سر قدرت سیلی است. همانطوری که در ابعاد سراسری هم بحث قدرت سیاسی است.

#### صف بندی احزاب

در چنین اوضاع و احوالی ائتلاف ناسیونالیستها با هم محتمل است اما حتمی نیست. این بستگی به شرایط معینی دارد از قبیل اینکه آیا دو بخش حدکا بر سر تقسیم قدرت و دلاینها در مناطق نفوذ خود با هم در تعارض و تقابل قرار میگیرند و یا با هم میسازند و در هر دو بخش شریک میشوند.

پیوستن کومه له به ناسیونالیستها به میزان زیادی به قدرت، نیرو و نفوذ ما بستگی دارد. هر کجا ما ضعیف باشیم به این ائتلاف (در صورت وجود آن) میپیوندد و برعکس. ائتلاف کومه له با ناسیونالیستها به ضرر ماست.

ائتلافی از چپ (ما، کومه له و دیگر بخشها و عناصر چپ) در مقابل ائتلاف

ناسیونالیستها (دو بخش حدکا و زحمتکشان) ممکن و محتمل است و به نفع ماست. باید در این جهت رفت، برایش کار کرد و نقشه اش را داشت.

دخالته احزاب حاکم کردستان عراق در تحولات کردستان ایران اتحادیه میهنی و پارتی در کردستان عراق دوستان ناسیونالیست کرد ایرانی خود را حمایت خواهند کرد. پول و اسلحه در اختیارشان قرار خواهند داد. جلو این را نمیشود گرفت.

اما باید جلو هر گونه نخلت مستقیم این احزاب از قبیل لشکر کشی به کردستان ایران و یا تبلیغات به نفع سیلت معینی که ضدیت با کمونیسم و کارگر و زحمتکش و زن و توده مردم را در پی داشته باشد گرفت. ما باید این احزاب را خنثی کنیم و مانع دخالت و حضور نظامیشان در کردستان ایران بشویم. این کار اگر به تنهایی بر عهده ما بیفتد سخت است. آوردن کومه له به پای چنین سیاستی بسیار به نفع ما و به نفع چپ است.

#### نخالت آمریکا

جلو دخالت آمریکا از قبیل دادن پول و تسلیحات به احزاب طرفدار خود را نمیتوان گرفت. اینکار تا حالا هم شده است و باید افشا کرد.

آمریکا به احتمال زیاد نیروی نظمی و از طریق کردستان بداخل خاک ایوان نمیفرستد. اما اگر احزاب کردی (حدکا و زحمتکشان) تسهیلاتی را برای کشتن پای نیروهای آمریکایی (حتی واحدهای جاسوسی و اطلاعاتی...) به داخل کردستان فراهم کنند باید جلوشان را گرفت و مردم را علیه شان شوراند.

#### رفقا!

تا آنجا که به کردستان مربوط است. ما باید در گام در جنوب کردستان نیروی اول باشیم و حرف آخر را ما بزنیم چه جنگ بشود و چه نشود.

اگر جنگ بشود فرصت کمی داریم و شانس کمتر. اگر جنگ نشود ما فرصت بیشتری داریم اما از میزان تعجیل و فوریت این کار کم نمیشود.

ما موظفیم قدرت را بگیریم. این شعل تو خالی نیست. قدرت طلبان لگن خواهند

اینجا و بیرون این سالن از کانادا و انگلیس تا اروپا و اسکاندیناوی و تا سنندج و مریوان و کامیاران و سقز و مهاباد هستند. ما نیرو داریم. آیم داریم. تجربه و جریزه و شهامتش را داریم. فقط یک کار باید بکنیم. تصمیم بگیریم. همین وحدت تصمیم و اراده مارا و جامعه مان را نجات میدهد. فرصت نیست بهش فکر کنیم. باید تصمیم گرفت. ما در مقطع بحث منصور حکمت آیا کمونیسم پیروز میشود نیستیم. بحث در چه ای باز شده هم نیست. در کردستان بخصوص تصمیم برای گرفتن قدرت مساله ما است. بین ما و جمهوری اسلامی از طرفی و ما و نلسونلیتها از طرف دیگر مبارزه ای سر نوشت ساز در جریان است.

قدرت ما از ناسیونالیسم کرد به جای یک نیروی متخاصم که علیه ما و مردم دست به اسلحه میبرد، یک نیروی رالم و مجبور به تمکین و آمدن پای میز ملکه و تن دادن به قوانین بازی متمدنانه خواهد ساخت. این گوی و این میان! اگر سال دیگر هم مجبور بشویم جلسه شورای کادرها را اینجا بگیریم و تفرقی نیفتد و جنگی هم نشود، سر سوزنی از اهمیت حرفهای ما کاسته نمیشود. بر عکس باید از خودمان بپرسیم که ما نخواستیم و نتوانستیم یک سال دیگر بر عمر جمهوری اسلامی اضافه شد...

منونم

#### مؤخره

این سخنرانی قبل از طرح مسله ملکه امریکا و دولتهای منطقه با شرکت ایران و سوریه انجام شده است. با وجود اینکه ظاهرا فضا آرام و مساله حمله امریکا کم رنگ شده، اما این تغییر و تحولات بهیچوجه از خطیر بودن اوضاع نکسته و تصمیم و نقشه ما کمکان و با هان فوریتها برای رسیدن به اهدافی که سرنگونی عاجل جمهوری اسلامی در محور آن قرار دارد، سر جای خود قور دارد.

### کمک مالی به کمیته کردستان و گارد آزادی

- ۱- محمد راستی ۱۰۰۰ یورو
- ۲- مریم افراسیاب پور ۸۲۰۰ کرون سوئد
- ۳- رسول بنووند ۸۲۰۰ کرون
- ۴- ق- پیروزی ۷۰۰۰ کرون
- ۵- حبیب مرادی ۳۰۰۰ کرون
- ۶- شیرین (استکهلم) ۷۰۰ کرون
- ۷- عزرا آدمی (بلجی) ۱۶۳۵ کرون

نامه، درود بر برگران...

نفرابوری علیه زنان نیز بحساب می آید.



با امید به برگزاری مراسمهای هرچه وسیع تر و بشکوه تر در سلهای آینده و با امید به رهائی بشر از کلیه تبعیضات جنسیتی، بلر دیگر از همه برگزار کنندگان و شرکت کنندگان این مراسم باشکوه در سر نوشت قدرانی کرده و دستن را صمیمانه میفشلم و در آستانه فرارسیدن بهار و سل نو ضمن تبریک، شادی و سرور برایتان آرزو مند

خورد با مامورین پاسگاه ۴ نفر از مردم دستگیر شده که تازمان دریافت این خبر هنوز آزاد نشده اند. گارد ویژه رژیم به منظور حمایت از پاسگاه از سندانج به طرف روستای نگل حرکت میکند. مردم روستا در اقدام دیگری مسیر آنها را سد میکنند و مانع پیوستن این نیرو به پاسگاه میشوند.

۲۰ اسفند ۱۳۸۵ - ۱۱ امیرس ۲۰۰۷

اسلامی و زخمی شدن راننده، مردم خشمگین روستای نگل دسته جمعی و جسورانه به پاسگاه ژاندرموری تعرض کردند. مقاومت اولیه نیروی مستقر در پاسگاه را در هم شکستند و مزدوران را به درون اتاقهای پاسگاه عقب راندند. مردم معترض به درون محوطه پاسگاه نفوذ کردند. در و پنجره و شیشه های پاسگاه را شکستند. مردم قصد تصرف کامل پاسگاه را داشتند که با مقاومت مزدوران مستقر روبرو شدند. مامورین پاسگاه از تعرض مردم فیلمبرداری کردند. در جریان این درگیری وزو

افتاد که در ساعت ۲ و نیم بعد از ظهر یک ماشین تویوتا که از سندانج به طرف مریوان در حرکت بود، با تیراندازی مزدوران رژیم مستقر در پاسگاه روبرو شد. راننده ماشین به اسم مختار اهل روستای چناره از ناحیه ستون فقرات به شدت زخمی شد. تعدادی از مردم به فوریت او را به بیمارستان سندانج بخش اورژانس منتقل کردند. شدت زخم او عمیق است و در وضعیت جسمی نگران کننده بسر میبرد. به دنبال تیراندازی مزدوران جمهوری

## مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست تعرض مردم به پاسگاه ژاندرموری در مسیر جاده سندانج - مریوان

دیروز شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۸۵ مردم جسور روستای بزرگ نگل در مسیر جاده سندانج - مریوان به پاسگاه ژاندرموری کنار روستا حمله کرده و برای لحظاتی محوطه آن را به اشغال خود در آوردند. ملجرا به این شکل اتفاق

### مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

#### مراسم جشن و شادی مردم سرشدت بمناسبت چهارشنبه سوری.

مردم با تعرض مزدوران رژیم مقبله کردند

از ساعت ۵ بعد از ظهر امروز سه شنبه ۲۲ اسفند در بلندیهای اطراف شهر سرشدت از جمله " گرده سور " شعله های آتش بمناسبت چهارشنبه سوری مشاهده شد. نیم ساعت بعد هزاران نفر از مردم شهر بویژه جوانان در خیابان کمر بندی در فاصله میان اداره مخابرات سلق و شیخ مولانا تجمع کرده و به پوئی آتش و پریدن از روی آن پرداختند. شورو شوق و شادی و رقص جوانان همراه با صدای ترقه و انفجار آتش بازی فضای مهیجی به شهر داده بود.

در وسط خیابان آتشگاههای متعددی بر پا بود و مردم از روی آتش می پریدند و شادی میکردند. بعد از حدود یکساعت نیروهای انتظامی رژیم به محل آمدند و بمنظور پراکنده نمودن به مردم حمله کردند که در مقابل جمعیت زبلی در نفاق خود و برای پس زدن نیروهای رژیم با سنگ به مقابله مزدوران رژیم پرداختند و چند نفر از نیروهای رژیم بدست مردم افتاده و ضمن تک خوردن زور ز دست مردم خلاصی یافتند. جنگ و گریز میان نیروهای رژیم در خیابان کمر بندی بیش از یکساعت بطول انجامید و سپس مردم در آنجا متفرق شده ولی تجملت کوچکتر در تمام سطح شهر با آتش بازی توأم با شورو شوق تا زمان دریافت خبر کماکان ادامه دارد.

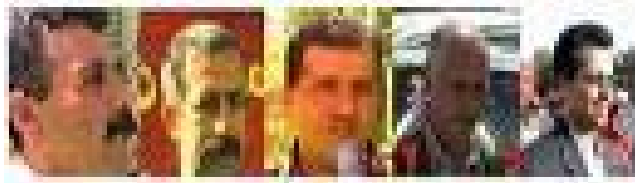
۲۲ اسفند ۱۳۸۵

\*\*\*

### اکتبر

پنج شنبه ها منتشر می شود.

اکتبر را تکثیر و پخش کنید



### دامه فعالین کارگری سقز..

مرخصی و دادن ریاست جلسه به قضی صادقی میباشد. قضی صادقی در زمان بازداشت فعالین کارگری در روز اول مه در سال ۱۳۸۳ دادستان سقز بود و حکم بازداشت و اجرای احکام زندان در مراحل اولیه بوسیله وی صادر شده بود ولی باز هم ریاست جلسه دادگاه تجدید نظر را به عهده داشت و قزل است که حکم خود را صادر نماید. رژیم جمهوری اسلامی برای اینکه فضای خفقان و سیست سرکوب خود را هر بیشتر بر فعالین کارگری و علیه مردم بیشتر نماید با طولانی کردن پروسه دادگاهی فعالین کارگری شهر سقز و فشار روحی روانی هر چه بیشتر بر فعالین مذکور سعی در دلتانها را از دامه فعالیت انسانی خویش منصرف نماید و ثابت نماید که صدای هر اعتراضی را خفه میکند و با تهدید و ارباب کارگران و فعالین این عرصه را از اعتصاب و اعتراض باز دارد. هر چند تاکنون در راستای خفه کردن کورن صدای اعتراضات مختلف از تمام توان خود بهره گرفته ولی ناکام مانده است. اعتراض نهادها و اتحادیه های کارگری و حقوق انسان چه در بعد تلخی و چه در بعد بین المللی در زمان بزدلانت و در پروسه طولانی محاکمات فعالین کارگری شهر سقز فشار مضاعفی را بر

رژیم و دستگاه قضایش وارد نمود و فضای جامعه را بکلی تغییر داده است. محاکمه فعالین کارگری به یک جنال میان مردم از ادیخواه و رژیم تبدیل شده است محاکمه و صدور حکم زندان برای فعالین کارگری تهدیدی علیه همه فعالین کارگری میباشد و نباید اجازه داد که رژیم به سیاستهای ضدانسانیتش ادامه بدهد. مردم و کارگران مبارز بخصوص شهر سقز باید با تجمع و اعتراض خود به این پروسه محکمه و دادگاهی کردن بی دلیلی و واهی به سردمداران جمهوری اسلامی اعلام کنند که از فعالین کارگری دفاع خواهند کرد و اجازه نخواهند داد که فعالین کارگری را به زندان محکوم کند و به غیر از آزادی آنها به چیز دیگری رضایت نخواهیم داد.

این شامل دیگر فعالین کارگری نیز خواهد شد اگر رژیم بتواند به فعالین کارگری سقز حکم زندان را بدهد به دیگر فعالین کارگری هم رحم نخواهد کرد و این پروسه ننگینش را ادامه خواهد داد، پس باید متحد و منسجم به

محاکمه فعالین کارگری سقز اعتراض کرد و اجازه ندهیم که رژیم فعالین کارگری را به زندان محکوم نماید. من شخصا به عنوان کسی که از اولین لحظه بازداشت توسط مامورین اداره اطلاعات به جرم برگزاری مراسم اول ماه مه مورد این تعرض بوده ام، ضمن محکوم کردن محاکمه دوباره فعالین کارگری شهر سقز اعلام میکنم که برگزاری مراسم روز جهانی کارگر تحت هر شرایطی حق هر کارگری میباشد و برپائی اعتراض و اعتصاب تنها سلاح کارگران میباشد. رژیم جمهوری اسلامی با محاکمه کردن و زندان و شکنجه و اعدام فعالین کارگری نه تنها نمیتواند مانع پوئی مراسم روز جهانی کارگر و اعتصاب و اعتراضات کارگری بشود، بلکه فعالین عرصه کارگری را بیشتر و مصمم تر خواهد کرد.

### تماس با کمیته کردستان حزب حکمتیست

رحمان حسین زاده: دبیر کمیته  
کردستان

husienzade\_r@yahoo.com  
0046739855837

اسد گلچینی: دبیر کمیته شهرهای  
کردستان

agolchini@yahoo.com  
00447940416768

عبدالله داریابی: فرمانده گارد آزادی  
darabi.abe@gmail.com  
0046705402133